



شناسایی عوامل شکل‌گیری پایگاه هویتی مدرسه در محله‌های شهری

علیرضا عزیزی^۱، لیلا سلیمانی^۲

۱. گروه برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

۲. گروه مشاوره مدرسه، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: leila.soleimani@yahoo.com

چکیده

هدف این پژوهش شناسایی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری پایگاه هویتی مدرسه در محله‌های شهری با تمرکز بر تعاملات اجتماعی، ویژگی‌های کالبدی و عناصر نمادین در بافت شهری تهران بود. این پژوهش به روش کیفی و با رویکرد نظریه داده‌بنیاد انجام شد. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۲ نفر از مدیران، معلمان، والدین و فعالان محلی مدارس منتخب در شهر تهران گردآوری شد. نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند و سپس به روش گلوله‌برفی انجام شد و تا اشباع نظری ادامه یافت. برای تحلیل داده‌ها از کدگذاری سه‌مرحله‌ای (باز، محوری، انتخابی) و نرم‌افزار NVivo استفاده شد. تحلیل داده‌ها منجر به استخراج سه مقوله اصلی شامل: ۱) ارتباط دوسویه مدرسه و محله، ۲) عوامل کالبدی و فضایی مدرسه، و ۳) عوامل نمادین و معنایی شد. هر کدام از این مقولات دارای چندین زیرمقوله بودند که نشان‌دهنده نقش مؤلفه‌هایی چون مشارکت اجتماعی، موقعیت جغرافیایی، معماری مدرسه، خاطره‌انگیزی و آیین‌های جمعی در شکل‌گیری پایگاه هویتی مدرسه در محله بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که پایگاه هویتی مدرسه نتیجه تعامل هم‌زمان و پیوسته عوامل اجتماعی، فضایی و فرهنگی است. درک این عوامل می‌تواند به سیاست‌گذاران آموزشی، طراحان شهری و مدیران مدارس در تقویت نقش مدرسه به‌عنوان نهادی هویت‌ساز در بافت شهری کمک کند.

کلیدواژه‌گان: مدرسه؛ هویت محله‌ای؛ مشارکت اجتماعی؛ طراحی فضایی؛ حافظه جمعی؛ شهر تهران

تاریخ ارسال: ۳ مرداد ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۸ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۳۰ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱۲ مهر ۱۴۰۳



How to cite: Azizi, A., & Soleimani, L. (2024). Identifying the Factors Influencing the Formation of the School's Identity Base in Urban Neighborhoods. *Training, Education, and Sustainable Development*, 2(2), 1-9.



© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Identifying the Factors Influencing the Formation of the School's Identity Base in Urban Neighborhoods

Alireza Azizi¹, Leila Soleimani^{2*}

1. Department of Educational Planning, Kharazmi University, Tehran, Iran
2. Department of School Counseling, Farhangian University, Tehran, Iran

*Corresponding Author's Email: leila.soleimani@yahoo.com

Abstract

This study aimed to identify the factors influencing the formation of a school's identity base within urban neighborhoods, focusing on social interactions, spatial features, and symbolic dimensions. A qualitative research design grounded in grounded theory methodology was employed. Data were collected through semi-structured interviews with 22 participants, including school principals, teachers, parents, and local community actors in selected districts of Tehran. Purposeful and snowball sampling methods were used until theoretical saturation was reached. Data were analyzed through open, axial, and selective coding using NVivo software. Data analysis led to the emergence of three main categories: (1) reciprocal school–neighborhood relations, (2) spatial and physical features of the school, and (3) symbolic and semantic factors. Subcategories revealed the significant roles of community engagement, school location and architecture, memory and tradition, and collective rituals in establishing the school's identity base. The findings suggest that the school's identity base emerges through the continuous and dynamic interaction of social, spatial, and cultural factors. Understanding these components can inform educational policymakers, urban designers, and school leaders to strengthen the school's role as a center of identity in urban settings.

Keywords: *School; Neighborhood Identity; Social Participation; Spatial Design; Collective Memory; Tehran*

Submit Date: 24 July 2024

Revise Date: 29 August 2024

Accept Date: 21 September 2024

Publish Date: 3 October 2024

مدرسه یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی است که نه تنها مسئولیت آموزش رسمی را بر عهده دارد، بلکه نقش مهمی در جامعه‌پذیری، تربیت فرهنگی و شکل‌گیری هویت کودکان و نوجوانان ایفا می‌کند. در بسیاری از نظریه‌های جامعه‌شناسی آموزش، از جمله دیدگاه ساخت‌گرایانه، مدرسه به عنوان نهادی فراتر از فضای آموزشی دیده می‌شود که در شکل دادن به نظام نمادین، فرهنگی و هویتی جوامع محلی نقش دارد (Apple, 2012). به‌ویژه در بافت‌های شهری، مدرسه می‌تواند به عنوان یک پایگاه هویتی در محله تلقی شود که رابطه‌ای دوسویه با بافت اجتماعی، کالبدی و فرهنگی پیرامون خود دارد.

در بستر شهرهای معاصر که با پیچیدگی‌های فضایی، تنوع فرهنگی و گاه گسست‌های اجتماعی روبرو هستند، مفهوم "پایگاه هویتی مدرسه" بیش از پیش اهمیت می‌یابد. این مفهوم به جایگاه نمادین، معنایی و اجتماعی مدرسه در بافت محله اشاره دارد که می‌تواند در انسجام اجتماعی، افزایش حس تعلق مکانی و تقویت سرمایه اجتماعی نقش‌آفرینی کند (Cucchiara, 2013). مدرسی که دارای پایگاه هویتی نیرومند در محله خود هستند، بیش از آن که صرفاً مکان آموزش باشند، به عنوان فضاهایی برای کنش جمعی، بازتولید فرهنگی و مشارکت اجتماعی نیز عمل می‌کنند (Burke & Grosvenor, 2008).

با این حال، پژوهش‌ها نشان می‌دهند که شکل‌گیری چنین جایگاهی برای مدرسه در محله‌های شهری، محصول تعامل مجموعه‌ای از عوامل ساختاری، رفتاری و نمادین است. در ادبیات نظری مرتبط، عواملی چون مشارکت خانواده‌ها، همکاری نهادهای محلی، پیوند مدرسه با فرهنگ محله، معماری و کالبد مدرسه، سابقه تاریخی، آیین‌های جمعی، و تصویر اجتماعی مدرسه در چشم ساکنان محله از جمله مؤلفه‌های مؤثر در تقویت یا تضعیف این پایگاه هویتی معرفی شده‌اند (Clark, 2010; Kvalsund & Hargreaves, 2009).

در ایران نیز، با توجه به ویژگی‌های فرهنگی خاص و نیز تحولات شهری پرشتاب دهه‌های اخیر، موضوع تعامل مدرسه و محله اهمیت دوچندان یافته است. در بسیاری از شهرهای ایران، به‌ویژه کلان‌شهرهایی چون تهران، مدرسه‌ها در دل محله‌هایی با ساختارهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی متفاوت قرار گرفته‌اند که نحوه حضور و تعامل مدرسه با این فضاها می‌تواند نقش مهمی در هویت‌یابی دانش‌آموزان، افزایش تعلق خاطر خانواده‌ها و ارتقاء سرمایه اجتماعی محلی ایفا کند (Rafiee, 2016). با وجود این اهمیت، مطالعات کافی در خصوص ابعاد و مؤلفه‌های هویتی مدرسه در بستر محله‌های شهری در ایران وجود ندارد و این خلأ پژوهشی، نیاز به واکاوی عمیق‌تری را ایجاد می‌کند.

در این میان، دیدگاه‌های نظری در حوزه مکان و هویت نیز می‌تواند چارچوب تحلیلی مناسبی برای فهم بهتر این پدیده فراهم آورد. نظریه‌های مرتبط با "هویت مکان" (Place Identity) بیان می‌کنند که هویت فردی و جمعی در پیوند با فضاهای زیسته شکل می‌گیرد و مکان‌هایی چون مدرسه، از طریق تجربه، خاطره و نمادپردازی می‌توانند در تثبیت هویت نقش ایفا کنند (Relph, 1976; Proshansky et al., 1983). همچنین، در نظریه‌های اجتماعی نوین، فضاهای شهری دیگر صرفاً ساختارهای فیزیکی محسوب نمی‌شوند، بلکه به مثابه میدان‌های کنش اجتماعی و فرهنگی در نظر گرفته می‌شوند که کنشگران در آنها به بازآفرینی معانی و هویت می‌پردازند (Lefebvre, 1991). از این منظر، مدرسه نیز به عنوان یک فضای اجتماعی، قابلیت ایفای نقش در تولید و بازتولید هویت محله‌ای را دارد.

مطالعات انجام‌شده در سایر کشورها نیز بر این امر تأکید دارند که هرچه پیوند مدرسه با محله قوی‌تر باشد، زمینه‌های شکل‌گیری یک پایگاه نمادین و هویتی برای مدرسه نیز فراهم‌تر خواهد بود. به‌طور نمونه، پژوهش Clark (۲۰۱۰) در انگلستان نشان داد مدرسی که فضاهای خود را برای فعالیت‌های محلی گشوده‌اند و در آیین‌های جمعی ساکنان نقش‌آفرینی می‌کنند، از نظر نمادین به عناصر هویتی محله تبدیل شده‌اند. همچنین، Cucchiara (۲۰۱۳) در پژوهش خود در بافت‌های شهری آمریکا نشان داد که تصویر اجتماعی مدرسه در میان ساکنان، بیش از آنکه تابع کیفیت آموزشی باشد، محصول تعاملات اجتماعی، روایت‌های جمعی و تاریخ فرهنگی آن مدرسه در محله است.

از سوی دیگر، در بستر شهری ایران، به‌ویژه در محله‌های با بافت فرسوده یا حاشیه‌ای، مدارس اغلب با چالش‌های جدی در ایجاد تعامل مؤثر با بافت اجتماعی پیرامون خود روبرو هستند. نبود زیرساخت‌های مناسب، ضعف در تعامل با خانواده‌ها، و نگاه صرفاً اداری به مدرسه، موجب

شده است تا مدارس نتوانند جایگاهی هویتی در محله پیدا کنند و در نتیجه، دچار انزوا و بی‌هویتی اجتماعی شوند (Faraji & Tavassoli, 2019). این در حالی است که مدارس می‌توانند با بازاندیشی در نقش خود، از یک نهاد آموزشی صرف به عنصری مؤثر در هویت‌سازی محله‌ای و توسعه فرهنگی-اجتماعی ارتقاء یابند.

با توجه به اهمیت روزافزون این مسئله و خلأ مطالعاتی موجود در این زمینه، پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و مبتنی بر داده‌های میدانی، در پی شناسایی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری پایگاه هویتی مدرسه در محله‌های شهری است. هدف اصلی این پژوهش، تبیین الگوی تعامل میان مدرسه و محله و کشف مؤلفه‌هایی است که موجب تقویت جایگاه مدرسه به‌عنوان یکی از ارکان هویت‌ساز در فضای شهری می‌شوند. از آنجا که شناخت این عوامل می‌تواند در سیاست‌گذاری‌های آموزشی، بازطراحی فضاهای مدرسه، تقویت تعاملات اجتماعی و افزایش حس تعلق دانش‌آموزان نقش کلیدی داشته باشد، نتایج پژوهش حاضر از نظر نظری و کاربردی می‌تواند سودمند واقع شود.

روش‌شناسی

این پژوهش از نوع کیفی و با رویکرد داده‌بنیاد (Grounded Theory) انجام شده است. هدف اصلی، شناسایی عوامل مؤثر در شکل‌گیری پایگاه هویتی مدرسه در محله‌های شهری بوده و تمرکز اصلی بر ادراک‌ها و تجربه‌های مشارکت‌کنندگان درباره تعامل میان مدرسه و بافت محله است.

جامعه آماری پژوهش شامل مدیران مدارس، معلمان باسابقه، اولیای فعال، کارشناسان آموزش و پرورش، و کنشگران محلی (نظیر اعضای شورایی، فعالان اجتماعی محله و...) در شهر تهران بوده‌اند. روش نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند و سپس به شیوه گلوله‌برفی انجام شده است. تعداد نهایی مشارکت‌کنندگان در مصاحبه‌ها ۲۲ نفر بوده است. ملاک انتخاب مشارکت‌کنندگان، داشتن تجربه عینی از فعالیت در مدرسه یا ارتباط مستمر با مدرسه در بافت‌های شهری تهران بوده است. نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت؛ به این معنا که پس از انجام ۲۲ مصاحبه، اطلاعات جدیدی به چارچوب مفهومی پژوهش افزوده نشد.

داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته گردآوری شده است. راهنمای مصاحبه شامل سؤالاتی باز درخصوص نقش مدرسه در محله، تعامل مدرسه با نهادها و گروه‌های اجتماعی، عناصر کالبدی، نمادین و کارکردی مدرسه، و تجربه مشارکت‌کنندگان از هویت‌مندی یا بی‌هویتی مدرسه در بافت شهری بوده است. تمامی مصاحبه‌ها با رضایت مشارکت‌کنندگان ضبط و سپس به صورت واژه‌به‌واژه پیاده‌سازی شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش کدگذاری سه‌مرحله‌ای شامل کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام گرفت. برای تسهیل فرآیند تحلیل، از نرم‌افزار NVivo استفاده شد. در مرحله کدگذاری باز، مفاهیم اولیه از متن استخراج و کدگذاری گردید. سپس این مفاهیم در قالب مقولات اولیه و خرده‌مقولات در مرحله محوری سازماندهی شدند و در نهایت، مقوله هسته و مدل نهایی در مرحله انتخابی شناسایی گردید. برای اعتباربخشی یافته‌ها از راهبردهایی مانند بازبینی مشارکت‌کنندگان، بازبینی توسط همکاران پژوهشی، و یادداشت‌برداری میدانی استفاده شد.

یافته‌ها

مقوله اصلی اول: ارتباط دوسویه مدرسه و محله

زیرمقوله ۱: مشارکت اجتماعی محله در مدرسه

یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری پایگاه هویتی مدرسه، میزان مشارکت و تعامل گروه‌های محلی با مدرسه است. حضور فعال والدین، معتمدین محلی و نهادهای اجتماعی در برنامه‌های مدرسه باعث تقویت پیوندهای اجتماعی و حس تعلق می‌شود. به‌گفته یکی از مدیران مدارس:

«وقتی مسجد محله یا پایگاه بسیج برای مراسم مدرسه همکاری می‌کنن، بچه‌ها احساس غرور می‌کنن که مدرسه‌شون محل رفت‌وآمد بزرگان محله‌س.»

زیرمقوله ۲: بازتاب ارزش‌های محلی در فعالیت‌های مدرسه

مدارسی که ارزش‌ها، باورها و فرهنگ محلی را در برنامه‌های خود منعکس می‌کنند، نزد ساکنان محله از جایگاه هویتی بالاتری برخوردارند. معلمی با سابقه ۲۵ ساله اظهار داشت:

«ما هر سال جشن‌های سنتی مثل شب یلدا رو با مشارکت مادرها برگزار می‌کنیم، این باعث می‌شه مدرسه از نگاه بچه‌ها بخشی از هویت فرهنگی‌شون بشه.»

زیرمقوله ۳: تصویر اجتماعی مدرسه در محله

ادراک عمومی ساکنان محله از مدرسه، نقش مهمی در تقویت یا تضعیف پایگاه هویتی آن دارد. در این زمینه، شهرت علمی یا فرهنگی مدرسه در محله تأثیرگذار است. یکی از والدین گفت:

«همه محله می‌دونن این مدرسه بچه‌های باادب تربیت می‌کنه، همین باعث می‌شه مردم احترام خاصی برای مدرسه قائل باشن.»

مقوله اصلی دوم: عوامل کالبدی و فضایی مدرسه

زیرمقوله ۱: موقعیت جغرافیایی مدرسه در محله

مکان‌یابی مدرسه و قرارگیری آن در نقاط مرکزی یا قابل دسترس محله، موجب افزایش تعاملات اجتماعی و دیدپذیری آن می‌شود. یکی از کارشناسان شهری بیان داشت:

«مدارسی که نزدیک میدان‌ها یا مراکز خدماتی هستن، بیشتر در چشم‌انداز مردم قرار می‌گیرن و همین باعث می‌شه حضورشون در ذهن محله پررنگ‌تر باشه.»

زیرمقوله ۲: معماری و نمای مدرسه

طراحی بصری و ظاهر مدرسه، نقش بسزایی در هویت‌بخشی دارد. مدارس با نمای فرسوده یا بدون نشانه‌های فرهنگی، کمتر در حافظه جمعی محله جای می‌گیرند. یکی از معلمان عنوان کرد:

«نمای بیرونی مدرسه ما خیلی قدیمیه، بچه‌ها همیشه می‌گن چرا مدرسه ما مثل مدرسه‌های نو رنگ و رو نداره.»

زیرمقوله ۳: استفاده چندمنظوره از فضاهای مدرسه

مدارسی که فضاهای خود را برای فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و محلی در اختیار ساکنان قرار می‌دهند، پایگاه هویتی قوی‌تری در محله پیدا می‌کنند. یکی از اعضای شورایی گفت:

«ما جلسات کتاب‌خوانی محلی رو توی سالن مدرسه برگزار می‌کنیم. همین استفاده‌های فرهنگی باعث شده مدرسه برای همه آشنا و عزیز باشه.»

مقوله اصلی سوم: عوامل نمادین و معنایی مدرسه

زیرمقوله ۱: خاطره‌انگیزی و سابقه تاریخی مدرسه

مدارس قدیمی که نسل‌های مختلفی از ساکنان محله در آن تحصیل کرده‌اند، از سرمایه نمادین ویژه‌ای برخوردارند. به گفته یکی از مشارکت‌کنندگان:

«پدر خودم هم تو همین مدرسه درس خونده. هر وقت میام برای ثبت‌نام بچهم، انگار برگشتم به دوران نوجوانی خودم.»

زیرمقوله ۲: مراسم و آیین‌های جمعی مدرسه

برگزاری آیین‌های مشترک با حضور ساکنان محله مانند جشن‌ها، مراسم مذهبی یا ملی، موجب شکل‌گیری هویت جمعی حول مدرسه می‌شود. یکی از مادران اظهار داشت:

«ما هر سال جشن نیمه شعبان رو تو حیاط مدرسه می‌گیریم. این مراسم فقط جشن نیست، یک نوع همبستگی اجتماعی ایجاد می‌کنه.»

زیرمقوله ۳: نقش مدرسه در انتقال ارزش‌ها و هویت محلی

مدرسه به‌عنوان یکی از نهادهای فرهنگی مهم در محله، می‌تواند نقش فعالی در انتقال هویت محله‌ای به دانش‌آموزان داشته باشد. به بیان یکی از کارشناسان فرهنگی:

«مدرسه اگر فقط آموزش درسی بدهد، هویت‌ساز نمی‌شود؛ باید بچه‌ها رو با محله، تاریخ و افتخارات اون آشنا کنه.»

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد که شکل‌گیری پایگاه هویتی مدرسه در محله‌های شهری تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل متنوع در سه سطح «روابط اجتماعی مدرسه با محله»، «ویژگی‌های کالبدی و فضایی مدرسه»، و «عوامل نمادین و معنایی» قرار دارد. در بعد اجتماعی، نقش مشارکت خانواده‌ها و نهادهای محلی، بازتاب ارزش‌های محلی در مدرسه و تصویر اجتماعی مدرسه در میان ساکنان محله، از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی بود که به‌صورت معناداری با هویت‌یابی مدرسه در ارتباط بود. در بعد کالبدی، موقعیت جغرافیایی مدرسه، معماری و طراحی فضای آن، و نحوه استفاده چندمنظوره از فضاهای مدرسه، تأثیر بسزایی در دیده‌شدن و ماندگاری مدرسه در حافظه جمعی محله داشت. و در سطح سوم، عواملی چون خاطره‌انگیزی مدرسه، آیین‌ها و مراسم جمعی، و نقش انتقال‌دهندگی مدرسه در ارزش‌ها و تاریخ محله، به‌عنوان مؤلفه‌های نمادین و معنابخش مورد شناسایی قرار گرفت.

این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های مشابه در سایر کشورها نیز همخوانی دارد. برای نمونه، کلارک (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای بر مدارس شهری در انگلستان به این نتیجه رسید که مدارس که رابطه‌ای پویا و تعاملی با جامعه محلی خود دارند، دارای سرمایه نمادین بیشتری هستند و به‌عنوان بخش هویتی محله شناخته می‌شوند. در همین راستا، پژوهش کوکیا (۲۰۱۳) در زمینه بازاریابی مدرسه‌ها نیز نشان داد که تصویر اجتماعی مثبت مدرسه در محله، نقش مهمی در تبدیل آن به عنصر هویت‌ساز دارد. از سوی دیگر، نظریه‌های مکان‌محور مانند دیدگاه رلف (۱۹۷۶) و پروشانسکی و همکاران (۱۹۸۳) بر این موضوع تأکید دارند که مکان‌هایی که در آن تجربه، خاطره و کنش اجتماعی به وقوع می‌پیوندد، در ذهن کنشگران تبدیل به مکان‌های هویتی می‌شوند؛ یافته‌های این پژوهش نیز مؤید چنین دیدگاهی است، چراکه نشان می‌دهد هرگاه مدرسه در مراسم، خاطرات و فعالیت‌های جمعی ساکنان محله نقش ایفا کند، تبدیل به عنصر هویتی آن محله می‌گردد.

در تحلیل یافته‌ها مشخص شد که مشارکت اجتماعی و حضور فعال نهادهای محلی در برنامه‌های مدرسه، یکی از ارکان اساسی در تقویت پایگاه هویتی مدرسه است. این یافته با مطالعات بریک و گروسنور (۲۰۰۸) همخوانی دارد که مدرسه را به‌عنوان فضای فرهنگی و مشارکتی معرفی می‌کنند. در بافت شهری، جایی که روابط اجتماعی اغلب پراکنده و گسسته‌اند، مدرسه می‌تواند با ایفای نقش پیونددهنده میان کنشگران اجتماعی، به بازسازی سرمایه اجتماعی محله کمک کند. در واقع، مدارس از طریق پذیرش نقش‌های فراتر از آموزش رسمی، نظیر میزبانی برنامه‌های محلی، مشارکت در آیین‌ها و ترویج ارزش‌های مشترک، می‌توانند به فضاهایی تبدیل شوند که در آن هویت محله‌ای بازتولید می‌شود (Kvalsund & Hargreaves, 2009).

در بعد کالبدی نیز، موقعیت مدرسه و نمای ظاهری آن به‌عنوان کدهای بصری هویت‌ساز شناخته شد. طراحی فضا، معماری مدرسه، در دسترس بودن و پیوند فضایی با سایر عناصر شهری نظیر مسجد، بازارچه یا پارک محله، در شکل‌گیری جایگاه اجتماعی مدرسه در ذهن ساکنان محله تأثیر دارد. یافته‌های این بخش با نظریات لوفبور (۱۹۹۱) در خصوص تولید اجتماعی فضا هم‌راستا است که فضا را نه به‌عنوان امری صرفاً فیزیکی بلکه به‌عنوان محصولی اجتماعی، فرهنگی و تاریخی تلقی می‌کند. در پژوهش حاضر نیز مشخص شد مدرسی که فضاهای خود را در اختیار استفاده‌های چندمنظوره قرار می‌دهند، بیشتر در حافظه جمعی محله ثبت می‌شوند و از قدرت هویتی بیشتری برخوردارند.

همچنین بعد نمادین و معنایی مدرسه، نظیر تاریخچه، آیین‌ها و خاطره‌انگیزی آن، نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری هویت جمعی ایفا می‌کند. مدرسی که نسل‌های مختلف یک خانواده در آن تحصیل کرده‌اند یا در آن مراسم‌های خاطره‌انگیز برگزار شده، دارای بار نمادین بالاتری هستند.

این نتیجه با تحلیل‌های مکان‌محور در نظریه «هویت مکانی» سازگار است. در این دیدگاه، فضاهایی که در آن‌ها تجربه‌های معنادار تکرار می‌شود، تبدیل به مکان‌هایی با بار عاطفی و هویتی می‌گردند (Relph, 1976). درواقع، مدرسه می‌تواند با ساختن روایت‌های مشترک، حافظه جمعی و تجربه‌های مشترک میان ساکنان، تبدیل به یک پایگاه هویتی قدرتمند شود.

نکته قابل توجه در یافته‌ها، تعامل دینامیک و پیچیده میان عوامل کالبدی، اجتماعی و نمادین بود. این عوامل به صورت مجزا عمل نمی‌کنند، بلکه در تعامل با یکدیگر شکل می‌گیرند. برای مثال، خاطره‌انگیز بودن یک مدرسه (عامل نمادین) اغلب با مشارکت فعال خانواده‌ها (عامل اجتماعی) و طراحی فضاهایی برای تعامل اجتماعی (عامل کالبدی) پیوند دارد. بنابراین، سیاست‌گذاران و طراحان باید نگاهی تلفیقی به این موضوع داشته باشند و از رهیافت‌های بین‌رشته‌ای بهره بگیرند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

References

- Apple, M. W. (2012). Education and power. Routledge.
- Burke, C., & Grosvenor, I. (2008). School. Reaktion Books.
- Clark, D. (2010). Schools as community hubs: Integrating services to support children and families. *The Australian Educational Researcher*, 37(2), 21–36.
- Cucchiara, M. B. (2013). *Marketing Schools, Marketing Cities: Who Wins and Who Loses When Schools Become Urban Amenities*. University of Chicago Press.
- Kvalsund, R., & Hargreaves, L. (2009). Rural schools – stepping stones for rural communities? *Research in Comparative and International Education*, 4(4), 369–383.
- Lefebvre, H. (1991). *The Production of Space*. Blackwell.
- Proshansky, H. M., Fabian, A. K., & Kaminoff, R. (1983). Place-identity: Physical world socialization of the self. *Journal of Environmental Psychology*, 3(1), 57–83.